

گفت و گوی نشریه فقه با آیت الله محمد مؤمن درباره شبیه‌سازی

تاریخ گفت‌وگو: دی ماه ۱۳۸۴

فقه: با تشکر از حضرت عالی و بزرگواری تان برای پذیرش این گفت‌وگو. جناب عالی که از ارکان فقهی به شمار می‌آیید، در ارائه مباحث مستحدثه سابقه دارید. چنان که مستحضر هستید، یکی از مسائل نوپدید، شبیه‌سازی است که در جهان امروز بازتاب‌های گسترده‌ای داشته و بیشتر اظهار نظرها در جهت تحریم و یا عدم پذیرش آن بوده است. اما علمای شیعه بر خلاف علمای اهل سنت و علما و صاحب نظران مسیحیت، دیدگاه متفاوت و متمایزی داشته‌اند. البته هنوز همه علمای شیعه به این موضوع نپرداخته‌اند، ولی آنها که بدان پرداخته‌اند، نوعاً سمت وسوی واحدی داشته‌اند. جناب عالی نیز تقریباً همان راهی را که سایر علمای شیعه داشتند، پیمودید و استدلال‌های مشخص‌تر و گاهی دقیق‌تری را ارائه کردید. اولین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا دلیلی بر حرمت شبیه‌سازی وجود دارد یا نه؟

استاد: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا و نبينا محمد وآله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

از لطف و حسن ظن شما متشکرم. طلبه‌ای هستم که از محضر بزرگان حوزه چند کلمه‌ای آموخته‌ام. مقام معظم رهبری چند سال قبل یک جمع محدودی را معین کردند تا درباره مسائل مهم جهان اسلام - چه در ایران یا غیر آن - به بحث بپردازند. شبیه‌سازی هم از جمله این مباحث بود که قرعه این فال را به نام من زدند. مقاله‌ای هم که بنده نگاشتم، ۱ به دنبال همان جلسه بود.

شبیه‌سازی را دو قسم کرده‌اند: یک قسم شبیه‌سازی اعضا است که عضو جدیدی درست می‌شود و هدف از آن علاج و درمان است و لذا شبیه‌سازی درمانی گفته می‌شود. قسم دیگر آن هم مسئله درست کردن انسان است و این قسم دوم هم به حسب آنچه که گفته‌اند، دو تصویر دارد: یکی شبیه‌سازی به معنای چندقلوسازی است که همه آنها شبیه و مانند هم‌اند. نوع دیگر از طریق سلولی است که از کسی گرفته می‌شود و در تخمک زن بعد از آن که هسته مرکزی آن را درآوردند، می‌گذارند. آن‌گاه آن را در محیط مناسبی می‌گذارند که پرورش پیدا بکند تا شبیه این شخصی شود که صاحب سلول بوده است. آنچه گفته شد، بنابر مطالبی بود که گفته‌اند. این که در تشریح اقسام شبیه‌سازی به گفته‌های دیگران استناد می‌کنم، بدین سبب است که شناخت موضوع کار فقهی نیست و فقیه بعد از فرض موضوع، حکم شرعی‌اش را بیان می‌کند. بر این اساس، بنده هم زیاد موضوع را بررسی کردم و در این راه از کسی که خودش مسئولیتی در همین کار داشت، در تشریح موضوع کمک گرفتم و ایشان این اقسام را برایم تشریح کرد. طبعاً مناسب است که پیش از بیان جواز یا حرمت، هر دو قسم آن را به اختصار توضیح بدهیم؛ چون در قسمت‌های

ابتدایی شاید با هم تفاوتی داشته باشند. در قسم اول که شبیه سازی و استنساخ برای چندقلوسازی است، پس از آمیزش زن و مرد، نطفه ای انعقاد می یابد. انعقاد نطفه بدین گونه است که با تلاقی بین منی مرد و تخمک زن، سلول کوچکی درست می شود که این سلول تکثیر پیدا می کند و دو سلول شبیه هم می شود و این دو سلول هم به چهار سلول تبدیل می شوند و این روند مضاعف شدن تا ۳۲ سلول ادامه می یابد و در این جا تکثیر سلول ها متوقف می شود. این سلول ها، که همه مشابه و به هم پیوسته اند، از این جا به بعد شروع به تبدیل شدن به اعضای بدن می شوند.

حال در شبیه سازی یا استنساخ پیش از این که تعداد سلول به ۳۲ عدد برسد (مثلاً وقتی که هشت یا چهارتاست)، به وسیله دستگاه هایی، نطفه را بیرون می آورند و باز دستگاه های دیگری این سلول ها را از هم متمایز و جدا می کنند. این سلول ها در رحم دارای پوشش تکوینی بوده اند که وقتی به فرض هشت سلول را برداشتند، با ابزارهایی این پوشش را از سلول برمی دارند و چون این سلول ها باز هم به این پوشش نیاز دارند، با استفاده از موادی که ساخته اند، دوباره سلول ها را در پوشش قرار می دهند؛ یعنی اگر هشت سلول را برداشته اند، اکنون هشت پوشش مصنوعی و جدید باید باشد. آن گاه اگر هر کدام از این سلول ها در محیطی قرار بگیرند که بتوانند باقی بمانند و تغذیه بشوند و رشد پیدا کنند، تکثیرشان هم دوباره آغاز می شود؛ یعنی یک سلول، به دو سلول، چهار سلول تا ۳۲ سلول تکثیر می شود. درواقع، هریک از این سلول ها اگر در شرایط رشد مناسبی قرار گیرند، توانایی تبدیل به یک انسان مشابه را دارند؛ یعنی هشت سلول می توانند هشت قلوبی شبیه به هم باشند. در حیوانات هم به همین صورت است.

قسم دیگر شبیه سازی این است که تخمک زن را می گیرند و هسته مرکزی آن را بیرون می آورند و سپس سلولی را از بدن شخصی دیگر، چه زن یا مرد، می گیرند و سلول را به جای هسته تخمک می گذارند. اگر این سلول درست شده از تخمک زن که با سلول دیگر تلقیح شده، در محیط مناسب باشد و درست تغذیه بشود، رشد پیدا می کند و یک انسان پدید می آید و چه بسا شبیه همان شخصی باشد که سلول او را در تخمک گذاشته ایم. در این جا دیگر تکثیری در کار نیست؛ بلکه ممکن است که راهی هم برای شبیه سازی باشد؛ منتها فقط شبیه صاحب سلول می شود.

در قسم اول، نطفه ای را که چند سلول شده، تکثیر می کنیم و بچه های پدید آمده، شبیه هم اند و تشابه بین بچه هاست؛ اما در قسم دوم، تشابه بین بچه با شخصی است که سلول او را در تخمک گذاشته ایم. بحث فقهی درباره شبیه سازی از دو منظر است: یکی به لحاظ لمس و نگاه زن و مرد است که آیا جایز است؟ به این کاری نداریم؛ چون می توانیم فرض کنیم که هیچ اشکالی نداشته باشد؛ مثلاً خود مرد، پزشک آشنا به مسائل ژنتیکی باشد و او با زن خودش آمیزش کند و بعد خودش از نطفه ای که مربوط به خودش است، برای شبیه سازی استفاده کند. مسئله لزوم اذن از صاحب نطفه و لمس و نگاه حرام در این جا منتفی است؛ چون زن و شوهر راضی بوده اند و از این لحاظ هیچ شبهه شرعی باقی نمی ماند.

بحث دوم در شبیه سازی، به جواز یا حرمت خود شبیه سازی مربوط می شود که معمولاً قائل به عدم جواز شده اند، ولی علت عدم جواز بیشتر مبتنی بر مفاسدی است که بر این عمل مترتب می شود و خود این کار ممکن است از دیدگاه بعضی اشکال نداشته باشد. اما به نظر ما این سخن بی اساس و بی ربطی است که قائل به حرمت شرعی در خود این کار شویم؛ چون دلیل شرعی نداریم که نشان دهد این تصرف در این تخمک

که هنوز هم انسان نشده تا شبهه قتل نفس و اعدام پیش بیاید، اشکال دارد. اشکالی بر بیرون آوردن تخمک هم وارد نیست؛ حتی اگر بدون هیچ هدفی باشد و یا حتی اگر فاسد شود. صرف این که این تخمک صلاحیت رسیدن به مرحله انسان کامل را دارد، نمی تواند دلیل بر عدم جواز باشد؛ حتی مواردی در فقه وجود دارد که از آنها بر می آید صرف داشتن صلاحیت نطفه برای تبدیل شدن به انسان کامل، نمی تواند دلیل بر حرمت خارج کردن آن از رحم باشد. یکی از این موارد مسئله عزل است. هیچ دلیل شرعی ای نداریم که اقتضا کند حتما باید از این تخمک به گونه ای استفاده بشود که از آن فرزند درست بشود. بنابراین اگر انسان این هسته تخمک را درآورد و بر فرض هیچ فایده ای هم بر آن مترتب نباشد، هیچ دلیلی بر این که حرام باشد، وجود ندارد؛ بلکه به حسب قاعده (کل شیء حلال) و اصل برائت که اصل مسلم شرعی است، این کار باید جایز هم باشد و دلیل حرمت از این جهت ندارد.

حالا اگر فرض کنیم تخمک بدون هسته را حفظ کنند تا از بین نرود و سلولی را از یک فرد دیگر بگیرند (سلولی که به فرض، از شوهر خودش است تا به لحاظ خارجی شبهه ای بر آن مترتب نشود)، آیا گرفتن سلول از بدن انسان اشکال دارد؟ باز هیچ دلیلی بر حرمت گرفتن این سلول از بدن انسان نداریم تا اشکال داشته باشد؛ حتی اگر هیچ انتفاعی از این سلول نبرند، و تازه کار لغو هم حرام نیست. پس به طریق اولی اگر هدف عقلایی برای این کار مترتب باشد، اشکالی ندارد.

بنابراین، هم دلیلی بر حرمت گرفتن سلول نداریم و هم دلیلی بر حرمت این نداریم که این سلول را در همان تخمک بدون هسته قرار بدهند تا در خارج از رحم و در محیط مناسبی رشد کند و تکثیر پیدا کند.

فقه: آیا این کار ورود در حوزه آفرینش خداوند نیست؛ چون خلقت از امور اختصاصی خداوند است؟

استاد: ممکن است برخی با استفاده از آیاتی، بگویند خالق و ربّ هر چیزی، خداوند است و اموری چون شبیه سازی در واقع، منافات با این گونه آیات دارد و شبیه سازی شریک شدن در کار خداوند است. این سخن هم معلوم است که سخن بی ربطی است. اگر انسان با پیشرفت علم توانسته است به این امور دست یابد، این کارها هم مانند سایر افعال، همه اش کار خداست و هر آنچه را که هست، خدا انجام می دهد. خدا این ویژگی را به او داده است و او را عالم کرده است تا بتواند چنین دستگاهی را بسازد. همان گونه که ما با حرف زدن خودمان در مقابل خداوند نیستیم. همه چیز و از جمله همه کارهای ما، مخلوقات خداست. این سلول را خدا قرار داده است، تخمکی که هسته اش را درآورده ایم و به جای آن سلول گذاشته ایم و لقاح حاصل شده، این را خدا انجام داده است، غذایی که به آن می دهیم و دستگاهی را که ما با علم خود ساخته ایم، همه آثاری که این اشیا دارند و تأثیر و تأثراتی که در خارج تحقق پیدا می کند، همه اش از خداست. اساساً خود خدا این کارها را انجام می دهد و ما کاره ای نیستیم و نهایت این که فاعل بالحرکه هستیم و تازه فاعل به حرکت هم نیستیم؛ چون این فاعلیت را هم خدا به ما داده است.

بنابراین این طور نیست که در شبیه سازی، شرکتی در خلق به وجود بیاید و این کار با آیاتی که در باب توحید افعالی است و نیز با روایات متواتری که از ائمه رسیده، منافات ندارد. هیچ وجهی ندارد که از جهت ذات عمل قائل به حرمت بشویم (البته در نوشته ای که در اختیار شما گذاشته ام، به تفصیل به این شبهات پرداخته و پاسخ داده ام که خوانندگان ملاحظه خواهند نمود)

بنابراین هیچ به ذهن نمی آید که این عمل - چه گرفتن و چه خارج کردن هسته مرکزی تخمک و چه گرفتن سلول و چه تلقیح کردن این سلول به آن تخمک بی هسته و چه پروردن و بزرگ شدن آن - اشکال داشته باشد.

فقه: این کار لوازمی دارد که آن لوازم به طور مسلم حرام است. آیا این لوازم محرم، موجب حرمت نفس عمل نمی شود.

استاد: بله، همان طور که اشاره کردید، ممکن است گفته بشود که اگر این کار به واسطه مرد نامحرم باشد و تخمک از زنی که زوجه اش نیست، گرفته شود، اشکال دارد؛ چون نگاه و دست زدن به او حرام است. پس وقتی این کارها حرام شد، این کار هم حرام است. معنای این حرمت آن است که آدم درست کردن بدین ترتیب ذاتاً حرام است.

اگر تأملی کنیم، معلوم می شود که آنچه حرام است، نگاه کردن و دست زدن به زن نامحرم است، و الاً اگر کاری کند که این حرمت نظر و لمس پیش نیاید، مثل این که از بدن خودش سلول را بگیرد و تخمک را هم خودش از همسرش بگیرد و در اختیار این شخص اجنبی قرار بدهد و کارهای دیگرش را او انجام بدهد، این دیگر حرمت ندارد؛ آنچه حرمت دارد در واقع چیز دیگری است. و اگر کسی بگوید این کار حرام است، دچار اشتباه شده است و آنچه را که حلال است، به جای حرام گرفته است و در واقع لمس و نظر کردن حرام بوده است و نباید انجام می شده است. ما حرمت نگاه و لمس نامحرم را قبول داریم، اما این باعث نمی شود که خود این عمل را هم حرام بدانیم.

فقه: ممکن است کسی استدلال خود را با این دو مقدمه ترتیب دهد و در مقدمه اول بگوید: این کار باعث منع شدید علما و برانگیخته شدن اعتراض بسیاری از مردم - چه مسیحی یا یهودی یا مسلمان - شده و هراس و بیم آنها از بازتاب ها و تغییر مناسبات اجتماعی به خصوص در صورت انبوه سازی آن به همراه داشته است. مقدمه دوم این است که بگوید چون شارع مقدس در مباحث حساسی که بازتاب های منفی دارد مثل دماء و فروج امر به احتیاط کرده است، در این جا گفته شود با توجه به ادله لزوم احتیاط، تنقیح مناط کنیم و در این مورد جدید هم با وجود این مخاطرات و خطرات، قائل به احتیاط شویم.

استاد: ظاهراً هیچ کدام از دو مقدمه نمی تواند منع از اصل کار را نتیجه دهد؛ برای این که در مقدمه اول اشاره به مخاطراتی در انبوه سازی می کند که این مخاطرات قطعی نیست؛ نهایت آن که اگر احتمال عقلایی معتناهی باشد که انبوه سازی مخاطراتی را ایجاد می کند، در این صورت باید جلوی انبوه سازی را گرفت. البته باید بررسی بشود که مخاطرات چیست؟ اگر مخاطرات از این جهت است که چیز غیر عادی است که قبلاً نبوده است و مردم با آن انس و خو نگرفته اند، همان گونه که در خیلی از اختراعات ابتدا چنین بوده است، چه اشکالی دارد که مسائل و موضوعات جدید به وجود بیاید؟ این امور مخاطرات نیستند. مخاطرات این است که اگر به شرع برگردیم، شرع آن را ممنوع می کند، و اما در مقدمه دوم، هم مشبّه به (احتیاط در دماء و فروج) هم تشبیه مورد تأمل است و نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد.

فقه: سؤالات دیگری هم هست که چون حضرت عالی در مقاله به تفصیل پرداخته اید و خوانندگان استفاده خواهند کرد، بیش از این مزاحم نمی شویم و از بذل عنایت شما کمال تشکر را داریم.

استاد: من هم تشکر می کنم.